نیروهای مسلح یمن در پاسخ به حمله جنگنده‌های عربستان به الحدیده، تأسیسات مهم نفتی آرامکو در جازان و ینبع را با موشک و پهپاد به آتش کشیدند

دود محاصره

گروه بین‌الملل: یمن؛ سرزمینی که بیش از ۱۱ سال است از زمین، دریا و آسمان در محاصره ائتلافی به رهبری آل‌سعود قرار دارد، این روزها در حال نمایش مرحله‌ای تازه از راهبرد بازدارندگی خود است. دولتی که سال‌ها با محاصره اقتصادی، دریایی و هوایی روبه‌رو بوده، اکنون تلاش می‌کند همان معادله را علیه ریاض به اجرا گذارد؛ معادله‌ای که مقامات صنعا از آن با عنوان «محاصره در برابر محاصره» یاد می‌کنند.

به گزارش «وطن امروز»، در شرایطی که حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، برخلاف انتظار واشنگتن و تل‌آویو، نتوانست موازنه منطقه‌ای را به سود آنها تغییر دهد، یمن نیز از هفته گذشته به طور رسمی اعلام کرد عبور شناورها و نفتکش‌های مرتبط با عربستان از آبراهه راهبردی باب‌المندب را مسدود خواهد کرد؛ اقدامی که می‌تواند معادلات انرژی و امنیت دریایی منطقه را وارد مرحله تازه‌ای کند.

در واقع، ائتلاف سعودی تصور می‌کرد با بستن بندرها، تعطیلی فرودگاه‌ها و قطع شریان‌های حیاتی یمن، این کشور ناچار به تسلیم خواهد شد اما اکنون صنعا با اجرای سیاست «محاصره در برابر محاصره»، تلاش می‌کند هزینه ادامه جنگ را مستقیماً متوجه عربستان کند و نشان دهد دوران پاسخ یک‌طرفه به تجاوزات پایان یافته است. از همه مهمتر، اکنون اقدام متقابل یمن علیه عربستان، معادلات انرژی منطقه را وارد مراحل حساسی کرده است.

■ واکنش سریع یمن

شامگاه جمعه، جنگنده‌های سعودی با انجام چندین حمله هوایی، زیرساخت‌های مخابراتی، مخازن سوخت بندر حُدَیده و جزیره کمران در غرب یمن را هدف قرار دادند. در این حملات دست‌کم یک کارمند مخابرات و یک زن زخمی شدند. سبأ ـ خبرگزاری رسمی یمن ـ نیز گزارش داد تأسیسات مخابراتی و مخازن سوخت بندر راهبردی حدیده در چند نوبت بمباران شده است.

واکنش نیروهای مسلح یمن به حملات شامگاه جمعه سعودی خیلی سریع بود و تنها ساعاتی بعد از تجاوزات ریاض، نیروهای مسلح یمن عملیات تلافی‌جویانه خود را آغاز کردند. سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد در پاسخ به حملات عربستان، ۲ عملیات ویژه علیه تأسیسات حساس شرکت آرامکو انجام شد. به گفته سرلشکر «یحیی سریع»، در عملیات نخست اهداف مهم آرامکو در منطقه جازان با ده‌ها موشک بالستیک، پهپاد و موشک‌های دوربرد هدف گرفته شد و در عملیات دوم نیز تأسیسات آرامکو در منطقه ینبع با موشک‌های بالستیک، کروز و پهپاد مورد حمله قرار گرفت.

همزمان تصاویر منتشرشده از منطقه، تلاش ناموفق سامانه‌های پدافندی پاتریوت برای رهگیری موشک‌ها و پهپادهای یمنی را نشان می‌دهد؛ تصاویری که بار دیگر ناکارآمدی سامانه‌های دفاع هوایی آمریکایی در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی عربستان را ثابت کرد.

جازان یکی از مهم‌ترین قطب‌های انرژی عربستان در ساحل دریای سرخ محسوب می‌شود. پالایشگاه آرامکو در این منطقه که از سال ۲۰۲۱ به بهره‌برداری رسیده، ظرفیت پالایش ۴۰۰ هزار بشکه نفت در روز را دارد و نیروگاه گازی آن نیز ۲.۵ گیگاوات برق تولید می‌کند. گزارش‌های اولیه حاکی از آن است پس از حملات یمن، برق برخی مناطق جازان دچار اختلال شد.

تصاویر منتشرشده همچنین از وقوع آتش‌سوزی در بخش‌هایی از تأسیسات ذخیره سوخت عربستان حکایت دارد و نشان می‌دهد مخازن بنزین و گازوئیل از مهم‌ترین اهداف حمله بوده‌اند. در ادامه این حملات نیز فعالیت فرودگاه‌های «امیر عبدالمحسن بن عبدالعزیز» در ینبع و «ملک عبدالله» در جازان به طور موقت متوقف شد.

■ سناریوی ضدنفتی علیه ریاض

کارشناسان معتقدند حمله به تأسیسات نفتی جازان و ینبع تنها یک پاسخ نظامی نبود، بلکه بخشی از راهبرد جدید صنعا برای هدف قرار دادن شریان انرژی عربستان است. به اعتقاد آنان، اگر حملات سعودی ادامه یابد، احتمال گسترش دامنه عملیات یمن به سایر میادین نفتی، پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال نفت عربستان نیز وجود دارد.

اهمیت حمله به ینبع از آن جهت است که این منطقه، نقطه پایانی خط لوله شرق به غرب عربستان است؛ خط لوله‌ای که نفت را از میادین شرق آن کشور به دریای سرخ منتقل می‌کند تا وابستگی ریاض به تنگه هرمز کاهش یابد.

همزمان با هدف قرار گرفتن این مسیر، صنعا نیز تردد کشتی‌های مرتبط با عربستان را در باب‌المندب متوقف کرد.

در چنین شرایطی با محاسبه مسدود شدن تنگه هرمز توسط ایران، بخش قابل توجهی از مسیرهای صادرات نفت منطقه با اختلال روبه‌رو شده است؛ موضوعی که می‌تواند بازار جهانی انرژی را با شوک تازه‌ای مواجه کند.

بر اساس آخرین گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، در شرایط عادی روزانه ۲۰.۹ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی، معادل ۲۰ درصد مصرف جهانی نفت، از تنگه هرمز عبور می‌کند، همچنین ۱۲ درصد عرضه جهانی نفت از باب‌المندب منتقل می‌شود. از سوی دیگر، داده‌های شرکت کپلر نشان می‌دهد در برخی دوره‌ها، حجم عبور نفت و فرآورده‌های نفتی از تنگه باب‌المندب به ۷.۴ میلیون بشکه در روز نیز رسیده است. به این ترتیب، ۲ گذرگاه هرمز و باب‌المندب در مجموع یک‌سوم نفت جهان و ۳۰ درصد تجارت دریایی نفت را در اختیار دارند و هر گونه اختلال همزمان در این ۲ آبراهه مهم می‌تواند بازار جهانی نفت را با یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های عرضه در دهه‌های اخیر روبه‌رو کند.

بانک‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات بین‌المللی انرژی نیز هشدار داده‌اند تشدید ناامنی در دریای سرخ و خلیج فارس می‌تواند قیمت نفت را بار دیگر وارد کانال بالاتر از ۱۲۰ دلار کند؛ قیمتی که بی‌تردید به جهش دوباره نرخ انرژی در آمریکا و دیگر کشورهای غرب منجر خواهد شد و فشار بر شهروندان و مصرف‌کنندگان در غرب را دوچندان خواهد کرد.

■ فرار جنگنده‌های سعودی!

در حالی که حملات هوایی عربستان روز شنبه نیز با بمباران مناطقی در استان‌های مأرب و جوف ادامه یافت، وزارت دفاع یمن اعلام کرد سامانه‌های پدافند هوایی این کشور موفق شدند شماری از جنگنده‌های سعودی را وادار به فرار کنند.

یک منبع نظامی در وزارت دفاع یمن گفت پدافند هوایی این کشور مانع ورود برخی جنگنده‌های متجاوز به حریم هوایی یمن شد و اجازه اجرای مأموریت‌های تعیین‌شده را به آنها نداد.

همزمان ظهر شنبه در حالی که اخبار ضد و نقیض از پاسخ موشکی یمن علیه بخش‌هایی از عربستان سرانجام تایید شد، برخی خبرها نیز حاکی از آن بود پروازهای به مقصد جده و ریاض مسیر خود را تغییر دادند و این تغییر مسیر از ترس پاسخ‌های موشکی یمن به سعودی‌ها انجام شد.

■ تنش در برابر تنش

همزمان با تجاوزات سعودی‌ها، وزارت خارجه دولت صنعا اعلام کرد: «رژیم سعودی به جای پاسخ به درخواست مشروع ملت یمن برای پایان محاصره، مرتکب اشتباهی بزرگ شد که بهای آن را خواهد پرداخت». این وزارتخانه تأکید کرد ریاض مسؤول تمام پیامدهای ناشی از تشدید تنش‌ها خواهد بود.

۲ روز پیش از حملات اخیر نیز سرلشکر یحیی سریع هشدار داده بود: «هر گونه تجاوز جدید علیه یمن با عملیات گسترده در عمق خاک عربستان پاسخ داده خواهد شد».

دفتر سیاسی جنبش انصارالله نیز با تأکید بر ادامه معادلات «محاصره در برابر محاصره» و «تنش در برابر تنش» اعلام کرد هر گونه اقدام جدید عربستان بدون پاسخ نخواهد ماند. حزام الاسد، عضو دفتر سیاسی انصارالله تصریح کرد: «بندر در برابر بندر، فرودگاه در برابر فرودگاه و هر گونه تشدید تنش با پاسخی شدیدتر روبه‌رو خواهد شد».

محمد عبدالسلام، رئیس هیات مذاکره‌کننده دولت صنعا نیز تأکید کرد حملات عربستان بار دیگر نشان داد ریاض همچنان بر ادامه محاصره یمن و بسته نگه داشتن فرودگاه بین‌المللی صنعا اصرار دارد. عضو ارشد انصارالله تاکید کرد: «آنچه عربستان باید در این مرحله درک کند این است که با محاسبات اشتباهش، خود را به دشمن آشکار یمن تبدیل کرده است. اصرار و پافشاری بر لجاجت و امتناع از پذیرش حقیقت، عواقب جدی برای امنیت و اقتصاد ریاض خواهد داشت. محاصره دریایی [توسط یمن] صرفاً اولین گام در نبرد محاصره در برابر محاصره است، مردم یمن از حقوق خود دست نخواهند کشید؛ آنها به هر وسیله‌ای که لازم باشد، حق خود را مطالبه خواهند کرد».

پیش از این نیز عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن در اظهاراتی تاکید کرده بود عربستان برای نجات از محاصره باید به یمن غرامت بپردازد. عبدالملک عجری گفته بود: عربستان برای نجات از محاصره و پیامدهای آن باید ۲ اقدام انجام دهد: هم باید به یمن غرامت بپردازد و هم به اشغالگری پایان دهد و از خاک یمن خارج شود.

■ بیمه‌ها زیر بار محموله‌های سعودی نمی‌روند!

همزمان با ادامه تنش‌ها در دریای سرخ، روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز گزارش داد شرکت‌های بزرگ بیمه دریایی، پوشش ریسک جنگ برای کشتی‌های مرتبط با عربستان را به‌شدت محدود کرده‌اند.

بر اساس این گزارش، کارگزاران بازار بیمه «لویدز لندن» به شرکت‌های بیمه اطلاع داده‌اند از صدور یا تمدید بیمه‌نامه برای کشتی‌هایی که به هر شکل با سعودی ارتباط دارند، خودداری کنند. همچنین برخی شرکت‌های بیمه از جمله اسکولد و ناویوم در حال بررسی لغو پوشش بیمه شماری از شناورهای مرتبط با عربستان هستند.

فایننشال تایمز به نقل از یکی از کارگزاران بیمه نوشت: بازگشت پوشش بیمه برای کشتی‌های مرتبط با عربستان، به کاهش سطح تهدیدها و پایان محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی صنعا در باب‌المندب بستگی دارد؛ موضوعی که می‌تواند علاوه بر افزایش هزینه حمل‌ونقل دریایی، هزینه صادرات نفت عربستان را نیز به شکل محسوسی افزایش دهد.

با گذشت ۱۵۰ روز از آغاز جنگ چرا بازگشت مجدد آمریکا به درگیری نظامی علیه ایران، واقعیت جدیدی خلق نخواهد کرد؟

ترامپ از کجا می‌خورد؟

علیرضا حقیقت

حالا ۱۵۰ روز از جنگ رمضان می‌گذرد؛ نبردی که تاریخ، همزمان با دویست و پنجاهمین سال تاسیس ایالات متحده، بزرگ‌ترین شکست نظامی آمریکا را به نظاره نشسته است.

جنگی که قرار بود به انهدام و تسلیم ایران منجر شود، در عوض به ظهور یک قطب جدید قدرت در نظام بین‌الملل انجامید. این همان چیزی است که اندیشمندان مطرحی همچون فرانسیس فوکویاما، رابرت پیپ، جان مرشایمر و حتی نئوکان‌های دست راستی چون رابرت کیگان - که همسرش ویکتوریا نولاند در وزارت خارجه آمریکا مسؤول کودتاهای رنگی در اوکراین و ایران بود - روزانه در اندیشکده‌های مشهور آمریکا در حال وعده دادن آن هستند. تنگه هرمز امروز اسم رمز و کلیدواژه قدرت‌یابی ایران در قواره یک بازیگر فرامنطقه‌ای است.

جنگ ۳ روزه ذهنی ترامپ – نتانیاهو، ۱۵۰ روزه شده و هر چه بیشتر می‌گذرد فقط عمق فاجعه برای این زوج جنگ‌طلب بیشتر می‌شود! فقط کافی است نگاهی به مواضع آشفته رئیس‌جمهور آمریکا در ساعات شبانه‌روز انداخت تا متوجه ابعاد این شکست تاریخی شد. او روزانه چند بار از پیروزی و نابودی نیروهای مسلح ایران می‌گوید و اینکه کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد اما همزمان با این مواضع، ایران با هدف قرار دادن نفتکش‌های متخلف، رئیس‌جمهور تروریست ابرقدرت جهان را تحقیر می‌کند؛ ابرقدرتی که ترس صلح از طریق قدرتش تا پیش از ۹ اسفند ۱۴۰۴ نفس جهان را بند آورده بود.

■ کد جنگ فرامنطقه‌ای ایران

آمریکای ترامپ حتی نتوانست تفاهمنامه‌ای را که به‌شدت برای پایین نگه داشتن قیمت نفت و بازگشت جریان انرژی به آن نیاز داشت، حفظ کند و وادار شد برای جلوگیری از سقوط بیشتر حیثیت واشنگتن دوباره به جنگ بازگردد. در این ۲ هفته و بازگشت جنگ پس از آتش‌بس کوتاه و ناپایدار، تنها واقعیت میدان یک چیز بوده است: ابتکار عمل بیشتر از بازه جنگ ۴۰ روزه در اختیار ایران است. خلاقیت نظامی ایران و رو کردن کارت‌های جدید در هر مرحله از تشدید تنش، ترامپ را به‌شدت کلافه کرده است. تهران به این جنگ‌طلب ناشی نشان داد در نردبان تنش ابایی از کشتن سربازان آمریکایی ندارد و خویشتن‌داری حفظ جان نظامیان تروریست آن کشور را کنار خواهد گذاشت. تحلیل روز رسانه‌های غرب پر است از غافلگیری‌های جدید ایران در دور جدید جنگ؛ از نقطه‌زنی دقیق سوله‌های هواگرد و تجهیزات لجستیک آمریکا در پایگاه موفق السلطی اردن با موشک‌های بالستیک گرفته تا کاهش خطای موشک‌ها و تغییرات در قدرت تخریب آنها.

۵ ماه بعد از جنگی که قرار بود ۳ روزه نسخه ایران را در هم بپیچد، تمام ۱۷ پایگاه نظامی آمریکا در منطقه زیر ضرب رفته و شدت تخریب آنها تا حدی است که امروز صحبت از این است که راه‌اندازی مجدد اکثر این پایگاه‌ها پنتاگون را مردد کرده، چرا که اساسا شاید دیگر امکان آن فراهم نباشد.

غافلگیری‌ها محدود به اینها نیست. رفتار اخیر ایران در قواره یک بازیگر فرامنطقه‌ای، ترس زیادی را به اردوگاه محور آمریکایی - صهیونی تحمیل کرده است. تهدید انگلستان و بلغارستان طی هفته اخیر توسط تهران برای ناظران بین‌المللی مایه بهت و گمانه‌زنی فراوانی بوده است. این نشانه‌ای است که به زعم آنها از توان ایران برای کشاندن جنگ به مرزهایی فراتر از غرب آسیا حکایت دارد. اگر جنگ ۴۰ روزه و تجاوز بی‌رحمانه آمریکا - رژیم صهیونیستی، ایران را وادار به اعمال جنگ منطقه‌ای کرد، جنگ وسیع جدید احتمالا می‌تواند فرامنطقه‌ای شود. تهران صراحتا وعده‌اش را داده است.

■ سیا از کجا می‌خورد؟

یکی دیگر از غافلگیری‌های کلافه‌کننده برای آمریکایی‌ها، بانک اطلاعات دقیق و استفاده از تکنولوژی ماهواره‌ای در ضربات نظامی است. خبرگزاری رویترز اخیرا به نقل از ۴ فرد آگاه از اطلاعات آمریکا گزارش داد حملات پهپادی ایران به مراکز سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در خلیج فارس، تحلیلگران اطلاعاتی آمریکا را بر آن داشته در این باره تحقیق کنند. مقام‌های اطلاعاتی آمریکا کارآمدی و دقت این حملات، همچنین شدت آنها را مطرح و تایید کرده‌اند روسیه اطلاعات هدف‌گیری و سایر پشتیبانی‌ها را برای حملات ایران به اهداف آمریکایی در منطقه خلیج فارس به طور عمومی فراهم کرده است.

به اذعان این خبرگزاری انگلیسی، دست‌کم ۲ مرکز سی‌آی‌ای در ماه مارس مورد حمله قرار گرفتند. یکی از این مراکز، ایستگاه سی‌آی‌ای در سعودی بود که در سفارت آمریکا در ریاض قرار دارد و مرکز دیگر در شرق عراق واقع شده بود. برخی منابع گفتند مراکز دیگری از سی‌آی‌ای نیز هدف قرار گرفته‌اند اما جزئیاتی ارائه نکردند. همزمان ۲ مقام غربی گفتند تحلیلگران بر این باورند در حمله به سعودی از یک جفت پهپاد شاهد ایرانی با ارتقای تکنولوژیک استفاده شده است. به گفته آنها، یکی از پهپادها سوراخی در بخش آسیب‌پذیر دیواره بیرونی سفارت ایجاد کرد و پهپاد دوم از میان آن شکاف وارد و منفجر شد. گزارشی از کشته یا زخمی شدن افراد منتشر نشده است.

به نوشته رویترز، مراکز فرامرزی سی‌آی‌ای شامل دفاتر اصلی این سازمان در کشورهای مختلف است که به طور سنتی در سفارتخانه‌ها مستقر بوده و «ایستگاه» (Station) نامیده می‌شوند. علاوه بر این، سی‌آی‌ای دفاتر، خانه‌های امن، هاب‌های لجستیکی و مراکزی برای مراقبت یا سایر عملیات‌ها در اختیار دارد. مکان این مراکز جزو اسرار به‌شدت حفاظت‌شده است. منابع از افشای تعداد دقیق یا مکان‌های مراکز سی‌آی‌ای که هدف پهپادهای ایرانی قرار گرفته‌اند خودداری کردند. یکی از منابع تعداد آنها را «بیش از یک و کمتر از ۱۲» عنوان کرد. منبع دوم گفت چند مرکز مورد اصابت قرار گرفته‌اند.

نبردی که ۲۸ فوریه برای انهدام برنامه موشکی و هسته‌ای ایران آغاز شد، حالا برای بازگشایی تنگه هرمز جریان دارد. نه محور مقاومت در منطقه از بین رفت، نه به مواد هسته‌ای ایران دست خورد و نه زرادخانه موشکی ایران خم به ابرو آورد؛ زرادخانه‌ای که دیگر مراکز غرب کم‌کم اعتراف می‌کنند End less به معنای بی‌پایان است.

■ هدف دست‌نیافتنی

این وضعیتی است که ترامپ در پنجمین ماه جنگ بی‌حاصل خود علیه ایران با آن روبه‌رو است. گاردین در این رابطه نوشت: رئیس‌جمهور آمریکا در ایران گم شده و قادر به یافتن راهی برای خروج از جنگ فاجعه‌باری که آغاز کرده نیست. او و پیت هگست، ارباب وحشی پنتاگون، چند بار از یک پیروزی ساختگی استقبال کرده‌اند؟ رئیس‌جمهور این هفته ادعا کرد «پیروزی بزرگی» به دست آورده است! هیچ‌کس حرف او را باور نمی‌کند. حتی با وجود هزینه‌های عظیم انسانی و اقتصادی حماقت او علیه ایران، جهانی که نظاره‌گر است، ناتوانی ایالات متحده را به سخره می‌گیرد.

کنترل تنگه هرمز که به دلیل جنگ‌طلبی ترامپ بسته شده، اکنون هدف محدود و دست‌نیافتنی کاخ سفید است. اهداف جنگی بزرگ‌تر ایالات متحده و اسرائیل - از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران، تضعیف شبه‌نظامیان منطقه‌ای آن، تغییر رژیم - کمتر از همیشه قابل دستیابی است.

به نوشته گاردین، ترامپ دیوانه ترجیح می‌دهد غیرنظامیان و نیروهای آمریکایی را در معرض یک جنگ فرسایشی همیشگی غیرقابل پیروزی قرار دهد، متحدان عرب خلیج فارس را به خطر بیندازد، به اقتصاد جهان آسیب برساند، خطر قحطی ویرانگر در کشورهای در حال توسعه را به جان بخرد، قوانین بین‌المللی را زیر پا بگذارد و چشم‌انداز انتخاباتی حزب جمهوری‌خواه خود را خراب کند تا اینکه بپذیرد اشتباه کرده و از طریق «مذاکرات صلح» متوقف‌شده، به دنبال یک راه‌حل دیپلماتیک باشد.

به اذعان روزنامه انگلیسی، ترامپ که قادر به خلاص شدن از این مخمصه نیست، در حال دست و پا زدن است. در قلب تشدید تنش‌های اخیر، یادداشت تفاهم ژوئن قرار دارد که ظاهراً درگیری را به مدت ۶۰ روز تا زمان مذاکرات اساسی متوقف می‌کرد. ترامپ این یادداشت تفاهم را یک پیروزی شخصی خواند اما مانند بسیاری دیگر از توافقات او، این یادداشت تفاهم نیز به طرز مهلکی ناقص است. به نظر می‌رسید بند ۵ آن، کنترل بالفعل ایران بر تنگه هرمز را مشروعیت می‌بخشد. ترامپ که به‌شدت دنبال راهی برای خروج از این مخمصه بود، با آن موافقت کرد اما اکنون با آشکارتر شدن عواقب آن، او [از این موضوع] طفره می‌رود.

خسارات ناشی از شکست مفتضحانه ترامپ در قبال ایران در حال حاضر بی‌حد و حصر به نظر می‌رسد. این نمایشی است که جهان به ندرت شاهد آن بوده است. مانند یک الکلی که با این باور که این بار نتیجه متفاوت خواهد بود، مشروب می‌خورد، ترامپ بمباران روزانه را از سر گرفته، حتی با اینکه تمام حملات قبلی نتوانسته اثر مطلوبی ایجاد کند. هر چه او بیشتر بمباران کند، درگیری‌ها شدیدتر و گسترده‌تر می‌شود و هر شانسی برای حل مساله هسته‌ای که به ادعای ایالات متحده و اسرائیل، اصل موضوع است، دورتر می‌شود.

واضح است ترامپی که قول داده بود عوارض دریایی در تنگه هرمز اعمال کند و سپس ظرف ۲۴ ساعت از موضع خود عقب‌نشینی کرد، حالا با چشم‌انداز اقتصادی وخیم محاصره دریای سرخ توسط انصارالله یمن که از حمایت ایران برخوردار است، هیچ ایده‌ای ندارد که چگونه از این باتلاق رو به وخامت فرار کند.

■ گزینه‌های بد و بدتر ترامپ

حتی دیپلمات‌های دست راستی همچون دنیس راس که سال‌ها در انستیتو واشنگتن برای خاور نزدیک از ترساندن ایران با گزینه نظامی تحلیل ارائه می‌دادند، امروز چاره‌ای جز پذیرش واقعیت ندارند و توصیه‌ای به ترامپ جز تلاش برای بازگشایی تنگه هرمز ندارند. دیپلمات باسابقه آمریکا هفته قبل در «فارن پالیسی» نوشت: مشکل این است که ایرانی‌ها مصممند کنترل تنگه هرمز را حفظ کنند. آنها این تنگه را به عنوان یک «برگ برنده» می‌بینند که به آنها قدرت نفوذ در اقتصاد جهان را می‌دهد، درد سیاسی داخلی را به ترامپ منفور تحمیل می‌کند و همسایگان خلیج فارس و دیگران را مجبور می‌کند از نظر اقتصادی و سیاسی به آنها پول بدهند.

از نگاه راس، ترامپ ۳ گزینه برای پایان دادن به جنگ دارد:

اول، می‌تواند به مسیر فعلی خود ادامه دهد و از حملات نظامی برای تضعیف ایران استفاده کند. او یادآوری می‌کند ادعاهای رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر بازگشایی تنگه هرمز توخالی است. این اقدام احتمالاً منجر به تبادلات نظامی نسبتاً محدودی خواهد شد که اکنون شاهد آن هستیم اما هر طرف حملات نظامی خود را در چارچوب مشخصی نگه می‌دارد. ترامپ این کار را خواهد کرد، زیرا نمی‌خواهد تأسیسات نفتی هدف قرار گیرد، مبادا قیمت نفت به طرز چشمگیری افزایش یابد؛ ایرانی‌ها این کار را خواهند کرد، زیرا فکر می‌کنند می‌توانند بیشتر از آمریکا و ترامپ دوام بیاورند.

دوم، ایالات متحده می‌تواند پروژه آزادی، عملیات خود برای کمک به اسکورت کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز را احیا کند. این امر مستلزم تضعیف قابلیت‌های نظامی ایران است اما انجام این کار احتمالا مستلزم تصرف برخی جزایر ایرانی در هرمز و از بین بردن درصد بالایی از موشک‌ها، پرتابگرها و پهپادهای ایران است. همه اینها با هزینه‌ای قابل قبول قابل دستیابی خواهد بود؟ اگر فرماندهی مرکزی سنتکام هر یک از جزایر هرمز یا مناطق ساحلی ایران را تصرف کند، ایالات متحده قطعا متحمل تلفات خواهد شد. علاوه بر این، باید تونل‌های عمیق زیرزمینی ایران را از بین ببرد؛ جایی که موشک‌ها و پرتابگرهای تهران در طول بمباران مشترک ایالات متحده و اسرائیل از نابودی جان سالم به در بردند.

گزینه سوم رئیس‌جمهور، تشدید جنگ است. این ممکن است ترامپی‌ترین گزینه باشد. او می‌تواند حملات گسترده‌ای علیه ایران انجام دهد و در پایان ۷ تا ۱۰ روز بمباران، آن را یک موفقیت بزرگ اعلام کند. همان‌طور که ترامپ از تضعیف تهران سخن می‌گوید، می‌تواند بگوید اگر ایران اجازه عبور از تنگه را بدهد، آماده پایان دادن به جنگ و لغو محاصره دریایی است.

■ توفان صحرا تا تنگه هرمز

برای اینکه این روزها را درک کرد، باید به تاریخ رجوع کرد. امروز که تصاویر انهدام اهداف آمریکایی در کویت مقابل چشم جهانیان قرار دارد، پروفسور «رابرت پیپ» استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو بهتر این فضا را با جنگ اول خلیج فارس و عملیات «توفان صحرا» مقایسه کرده است.

اندیشمند آمریکایی در یادداشتی که تیتر یک «فارن افرز» است، نوشت: شب ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱، بینندگان تلویزیون در سراسر جهان شاهد صحنه‌ای بودند که تا آن زمان هرگز ندیده بودند. در پس‌زمینه آسمانی سیاه که با آتش پدافند ضدهوایی روشن شده بود، بمب‌های هدایت‌شونده دقیق آمریکا از پنجره‌ها، دهانه‌های تهویه و سنگرهای فرماندهی بغداد عبور کرده و با دقت به اهداف اصابت می‌کردند. شبکه CNN جنگ خلیج فارس را به صورت زنده پخش می‌کرد. برای میلیون‌ها نفر، این تصاویر نویدبخش آغاز عصری تازه بود. حمله عراق به کویت این نگرانی را برانگیخت که صدام به‌زودی نیروهایش را روانه عربستان خواهد کرد؛ اقدامی که می‌توانست عراق را به قدرت مسلط نفتی خلیج فارس تبدیل کند و یک‌چهارم ذخایر نفت جهان را تحت کنترل مستقیم او قرار دهد.

در آمریکا کمتر کسی انتظار پیروزی آسان داشت. خاطره تلخ جنگ ویتنام همچنان بر ذهن‌ها سایه افکنده بود اما آنچه در عمل رخ داد، تقریبا همه را شگفت‌زده کرد. پس از ۵ هفته حملات هوایی، نیروهای زمینی ائتلاف ظرف ۱۰۰ ساعت کویت را آزاد کردند. ارتش عراق به‌سرعت فروپاشید. بیش از ۳۰۰ هزار نیروی عراقی مستقر در کویت یا به اسارت درآمدند یا ناچار به فرار شدند.

اهمیت پیروزی آمریکا بسیار فراتر از میدان نبرد بود و جایگاه استثنایی آن را در نظام بین‌الملل به نمایش گذاشت. همزمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، واشنگتن دیگر با هیچ رقیب عمده‌ای روبه‌رو نبود و در کانون شبکه‌های مالی، فناوری و ائتلاف‌های جهانی قرار داشت. ایالات متحده از توانمندی‌های نظامی پیشرفته‌ای برخوردار بود که هیچ قدرت دیگری توان رقابت با آن را نداشت. آمریکا به پدیده‌ای کم‌سابقه در تاریخ معاصر تبدیل شده بود: دولتی که هیچ همتای قدرتمندی در برابر خود نمی‌دید. عملیات «توفان صحرا» شاخص‌های انتزاعی قدرت آمریکا را به تجربه‌ای عینی بدل کرد. دولت‌ها، سرمایه‌گذاران و افکار عمومی سراسر جهان اکنون تصویری مشترک از معنای واقعی برتری نظامی آمریکا در اختیار داشتند.

برای جهان، جنگ خلیج فارس یکی از نقاط عطف بود. این جنگ نه‌تنها به آزادسازی کویت انجامید، بلکه آغازگر عصری شد که معمولا از آن با عنوان دوران تک‌قطبی آمریکا یاد می‌شود؛ دوره‌ای که در آن برتری بی‌رقیب نظامی ایالات متحده پشتوانه جهانی‌شدن، رشد رفاه و ثبات نسبی در نظام بین‌الملل بود.

پیپ سپس با اشاره به جنگ اخیر ایران تصریح کرد: اما آن دوران اکنون به پایان رسیده. ایالات متحده دیگر از همان برتری نظامی که سال ۱۹۹۱ در اختیار داشت، برخوردار نیست. در واقع، جنگ ایران نمونه روشنی از این چرخش تاریخی است. اگر جنگ خلیج فارس نماد برتری بلامنازع آمریکا بود، درگیری‌های امروز پیرامون تنگه هرمز محدودیت‌های قدرت این کشور را آشکار می‌کند. عصر تازه‌ای در راه است؛ عصری که در آن بسیاری از مفروضات دوران پس از جنگ سرد وارونه شده است. ایالات متحده دیگر قادر نیست با توسل به نیروی نظامی و هزینه‌ای اندک، دیگران را به تمکین از اراده خود وادار کند. قدرت آمریکا به جای آنکه ضامن ثبات و پیش‌بینی‌پذیری باشد، خود به یکی از عوامل بی‌ثباتی بدل شده است. قدرت‌های ضعیف‌تر، مزیت‌های سرپیچی و اخلال را آموخته‌اند و اکنون ابزارهایی در اختیار دارند که می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر ایالات متحده، متحدان و شرکای آن تحمیل کند.